

يك نامه بدون رو تویی از آلمان

دوستان گرامی دنیای سخن،

با درود فراوان و آرزوی پیروزی تان در راه خدمات فرهنگی. چندی پیش چند شعر برایتان فرستاده بودم که بصورت کتابچه دریافت آنها را در مجله اطلاع داده بودید. شکفت زده شدم که چرا آنطور باید پاسخ داده شود. یعنی نام این بنده کمترین اینقدر ترسناک شده است؟ - اینهمه محافظه کاری در کجاریشه دارد؟ مگر بنده و امثال من غیر از همان همکاران و یاران شما هستیم که سرنوشتان را با شعر و ادبیات گره، زده ایم و چون شما هم و غم دیگری برایمان کم اهمیت است؟ دوستان عزیز، من و امثال من نه جایتکاریم و نه وبائی. شعر و مطلبی هم اگر بنویسیم در حال و هوای همان عواطف و آرزوهای شماست. برای دوستان دیگری هم نوشتم که امروزه بخش عظیمی از شعر و ادبیات متعهد امروز ایران در خارج بوجود می آید. واقعیتی که نمی توان آنرا نادیده گرفت و بر آن چشم پوشید. هر نویسنده شاعر و روزنامه نگار متعهدی در داخل کشور مان می باید به این عرصه مهم چشم بدوزد و آرا به دیده بگیرد. مسلمانها و نه خوانندگان دنیای سخن نمی خواهند نشریه ای بی تفاوت و مصلحت اندیش داشته باشند. ضمن آنکه بهر حال شرایط هم باید ترک شوند. اما این چه بایکوتی است که شما پیرامون صدها شاعر و نویسنده و محقق و هنرمند که تکر خارج از مرزهای نویسنده و می آفرینند راه انداخته اید؟

ويك نکته ديگر. با همه علاقه ای که متعهدانه در شما برای اشاعه ادبیات خوب وجود دارد، متأسفانه اغلب اشعاری که در نشریه تان چاپ می کنید در يك کلام شعر روزگارمانیستند. این نوشته های گنگ و الکن که از پریشانی مضامین و لال بازی زبان و ناستواری شکل رنج می برند نمی توانند.

تداوم سالم شعرنیم و نسلهای بعد از او باشند متأسفانه گویا هنوز هم دود از کنده پامی شود. بسیاری از تحصیلکردگان و شاعران و شعر خوانان رادیده ام که از اغلب این اشعار سرتز نمی آورند. آیا دامن زدن به اینگونه پریشان نویسی ها به نام شعر موج سوم و موج ناب و غیره به رابطه شعر معاصر با مردم لطمه نمی زند؟ آیا اینها اشعار بعد از يك انقلاب فرهنگی (نیم او...) و يك انقلاب سیاسی (نهم ۵۷) هستند من فکر می کنم اگر قضیه اینطور پیش برود رابطه مردم با شعر معاصر بکلی قطع شود. البته من معتقد نیستم که شعر ها را تا سطح درك عوامانه پایین بیاوریم. نه، ولی این لال بازیها و پریشانگوئی ها هم پشت کردن به وظیفه ای است که نیما و دیگران برای شعر معاصر قائل بوده و هستند چه اصراری هست که چندین صفحه نشریه با این نثر های

آشفته پرشوند؟ به نظر من در حال حاضر ماه آنهمه شاعر و نه آنهمه شعر خوب داریم. معیار ها را خیلی پایین آوراید به حساب شما نوشته خواهد شد همانطور که بخشی به حساب «فردوسی» آن زمان هم نوشته شد. از آنهمه شعر کبدر فردوسی چاپ شد چقدرش باقی ماند؟ این نسل تشنه شعر و ادبیات را نباید به بیراهه کشاند. تأثیر گذاری روی آنها نیاز به صلاحیت دارد. «جریان سازی» و «موج پردازی» راه حل قضیه نیست. شعر در نهایت خودش پلی است میان شاعر و مردم برای انتقال فکر یا حس خاصی. اغلب اشعاری که چاپ می کنید فاقد چنین خصوصیتی هستند. در پایان سلام مرا به دوستم فرامرز سلیمانی و آقای هختاری برسانید. لطفاً اگر اشعارم برایتان قابل استفاده نبود در ستون اشعار رسیده به آن اشاره نرمانید. با میل و تعهدی که در شما سراغ می رود. بی شک تکر شماره های آینده دنیای سخن اشعار بهتری خواهیم خواند. سرفراز و شاد کام باشید.

میرزا آقا عسگری ۲۸ تیر ماه ۶۷